

پیامبران الهی در عتبات عالیات

محمد جواد مروجی طبسی

چکیده

عراقی و عتبات عالیات، امر دیرباز سرزمینی مقدس بوده و نامر آن در تواریخ ذکر شده است. بسیاری از پیامبران بزرگ الهی به نوعی در این سرزمین حضور داشته‌اند؛ برخی در این سرزمین متولد یا مدفون شده و برخی امر آنجا عبور کرده، نماز خوانده یا به هر حال، ماجرای در این مکان مقدس داشته‌اند. بنا بر روایات و احادیث اسلامی، پیامبری نیست که کربلا را زیارت نکرده باشد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز، دو بار در این سرزمین مقدس حضور داشته‌اند که هر دو بار به همراه جبرئیل امین بوده است.

این نوشتار در دو بخش تنظیم شده که بخش اول آن درباره حضور پیامبران الهی در سرزمین عراق است و در بخش دوم، امر پیامبرانی نامر برده شده که بر اساس تاریخ و احادیث اسلامی، در عتبات عالیات متولد یا مدفون شده‌اند یا به نوعی نامشان با این سرزمین مقدس گره خورده است.

واژگان کلیدی: پیامبران الهی، عراق، عتبات عالیات، کربلا.

طلیعه

یکی از نشانه‌های مقدس بودن سرزمین عتبات عالیات، حضور انبیای الهی در این سرزمین بوده است. بنا بر روایات و تواریخ اسلامی، همه انبیای الهی با این سرزمین به گونه‌ای مربوط بوده‌اند؛ یا زادگاهشان در این مکان مقدس بوده، یا محل عبورشان بوده، یا محل نماز یا توقف و یا محل دفن آن بزرگان بوده است. این نوشتار در دو بخش تنظیم شده که بخش اول آن درباره حضور پیامبران در سرزمین عراق است و بخش دوم، حضور آن پیامبرانی است که در تاریخ و احادیث اسلامی به نامشان اشاره شده است که بعضاً متولد یا مدفون در این سرزمین مقدس هستند.

حضور تمام انبیای الهی

بنابر روایات و احادیث اسلامی، سرزمین عراق و به‌ویژه سرزمین کربلا محل گذر تمام پیامبران خدا بوده است و روایات زیر گواه این مدعاست:

۱. پیامبری نیست که کربلا را زیارت نکرده باشد.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«و ما من نبی الا و قد زار کربلاء و وقف علیها و قال إنک لبقعة کثیرة الخیر، فیک یدفن القمر الازهر»؛^۱ هیچ پیامبری نیست، مگر آن که کربلا را زیارت نموده و در آن جا توقف کرده و فرموده باشد: تو سرزمینی هستی که خیر کثیری در تو می‌باشد، و در تو ماه تابان دفن خواهد گشت.



۲. کربلا محل دفن دویست پیامبر و دویست وصی شهید است.

امام صادق علیه السلام فرمود: در سفری که امیر مؤمنان علیه السلام به یک میلی یا دو میلی سرزمین کربلا رسیدند، در جلوی جمعیت قرار گرفتند تا این که خود را به محل شهادت شهدا رسانده فرمودند: در این جا دویست پیامبر و دویست وصی و جانشین و دویست سبط با همراهانشان شهید شدند. سپس با مرکب خود آن جا را دور زد و در حالی که پایش را از رکاب بیرون آورده بود فرمود:

«مناخ رکاب و مصارع شهداء لا یسبقهم من کان قبلهم و لا یلحقهم من کان بعدهم»؛ محل چادرها و محل شهادت شهیدانی است که در فضیلت، از گذشتگان و آیندگان هیچ کس به پایه آنان نخواهد رسید.^۲

حضور پیامبران در مسجد کوفه و سهله

پیامبران الهی علاوه بر حضور در سرزمین کربلا، محل مسجد کوفه و مسجد سهله را نیز زیارت کرده اند و برخی از ایشان در همان جا مدفونند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«ما من ملک مقرب و لا نبی مرسل و لا عبد صالح إلاّ و قد صلّی فی مسجد کوفان حتی محمد صلّی الیه علیه و آله لیلة اسری به»؛^۳ هیچ فرشته مقربی و هیچ پیامبر فرستاده شده ای و هیچ بنده صالحی نیست، مگر آن که در مسجد کوفه نماز خوانده است؛ حتی پیامبر صلی الله علیه و آله که در وقت معراج به آن جا رفت.

مرحوم شیخ عباس قمی در «سفینه البحار» می نویسد:

«الکوفه روضة من ریاض الجنة، فیها قبر نوح و ابراهیم

در سفری که امیر مؤمنان علیه السلام به یک میلی یا دو میلی سرزمین کربلا رسیدند، در جلوی جمعیت قرار گرفتند تا این که خود را به محل شهادت شهدا رسانده فرمودند: در این جا دویست پیامبر و دویست وصی و جانشین و دویست سبط با همراهانشان شهید شدند.

عليهما السلام و قبر ثلاثمائة و سبعين نبياً»؛^۴ کوفه باغی از باغ‌های بهشت است و در آن قبر حضرت نوح و حضرت ابراهیم علیهما السلام و قبر سیصد و هفتاد پیامبر می‌باشد. محدث نوری رحمته الله در «مستدرک الوسائل» در فضیلت مسجد سهله می‌نویسد: «لم یبعث نبياً إلا و قد صلی فیہ»؛^۵ هیچ پیامبری از سوی خداوند مبعوث نشد، مگر آن که در آن مسجد نماز گذارد.^۶

حضور پیامبران بزرگ در سرزمین عراق

بسیاری از پیامبران بزرگ الهی از این سرزمین عبور کرده یا برای مدتی در آن اقامت داشته و یا در همان جا به خاک سپرده شده‌اند. در این بخش به برخی از ایشان اشاره خواهیم کرد.

۱. حضرت آدم علیه السلام

علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الانوار» آورده است که مرسلاً روایت شده که حضرت آدم علیه السلام وقتی به زمین فرود آمد، به دنبال حوامی گشت تا این که به سرزمین کربلا رسید. در این سرزمین بدون هیچ علتی دل‌تنگ شد و پایش لغزید و در جایی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، به زمین خورد و خون از پایش جاری گشت. آدم علیه السلام سر به آسمان بلند کرده، عرضه داشت: خدایا! آیا گناهی از من سر زد که مرا مورد بازخواست قرار دادی؟ تمام زمین را گشتم و چیزی شبیه آنچه در این سرزمین به من رسید، بر من وارد نشد، به آدم علیه السلام وحی شد: ای آدم! گناهی از تو سر نزده است؛ اما بدان که در این سرزمین فرزندان حسین مظلوم کشته خواهد شد. بدین جهت خون تو به جهت همراهی با حسین در این سرزمین ریخته شد.

آدم عرض کرد: خدایا، آیا حسین پیامبر است؟ وحی شد که نه، ولکن او سبط پیامبر خدا محمد صلی الله علیه و آله است. عرض کرد: کشنده او کیست؟ وحی آمد که قاتل او یزید، لعین اهل آسمان‌ها و زمین است. آدم عرض کرد: ای جبرئیل! حال من چه کنم. جبرئیل گفت: قاتل او را لعن کن. پس آدم چهار مرتبه یزید را لعن کرد و به راه خود ادامه داد تا به کوه عرفات رسید و حواء را در آن جا یافت.^۷

انتقال پی‌کر استخوان‌های آدم به نجف اشرف

بنا به نوشته «ناسخ التواریخ» وفات حضرت آدم علیه السلام در روز جمعه، هشتم نisan، برابر با یازدهم محرم، در مکه مکرمه بوده است و حضرت حواء یک سال پس از او درگذشت و



در غار ابوقییس، کنار مضجع شریف حضرت آدم مدفون گشت.^۸ آن گاه که کشتی نوح به اطراف کعبه رسید، خدای به نوح وحی فرستاد که هفت شوط اطراف بیت الله الحرام طواف کند. حضرت نوح از کشتی پیاده شد و تا زانو در آب رفت و تابوتی که در آن استخوان‌های حضرت آدم بود، بیرون آورده در کشتی گذاشت تا به باب کوفه رسید.

در آن جا بود که خداوند به زمین وحی کرد: ﴿یا ارض ابلعی ماءک﴾ و زمین آب خود را در مسجد کوفه فرو برد؛ چنان که از همان جا آغاز شد. حضرت نوح تابوت را از کشتی برداشت و در نجف اشرف دفن کرد.^۹

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام به دفن حضرت آدم در کنار قبر امیرمؤمنان چنین اشاره شده است: «والسلام علیک یا مولای و علی ضجیعک آدم و نوح و رحمة الله و برکاته»؛^{۱۰} و سلام بر تو ای مولای من و بر دو هم‌قبرت آدم و نوح و رحمت خدا و برکات او.

۲. ادریس علیه السلام

یکی از پیامبران بزرگ الهی و پدر بزرگ پدر حضرت نوح پیامبر علیه السلام است. در تورات نامش «اخنوخ» بود و بدین سبب او را ادریس نامیده‌اند، چون کتاب‌ها را بسیار تدریس می‌کرد. وی اولین کسی بود که پیراهن دوخت و پوشید؛ چون مردم پیش از آن، از پوست حیوانات برای پوشش استفاده می‌کردند.

حکمای یونان او را «هرمس حکیم» نامیده‌اند. وی سیصد سال زندگی کرد. ادریس اولین کسی بود که قلم به دست

ادریس اولین کسی بود که قلم به دست گرفت و نخستین کسی بود که پیراهن دوخت و پوشید، و هر گاه دوزندگی می‌کرد، خدای را تسبیح و تهلیل و تکبیر و توحید و تمجید می‌گفت.



گرفت و نخستین کسی بود که پیراهن دوخت و پوشید، و هر گاه دوزندگی می کرد، خدای را تسبیح و تهلیل و تکبیر و توحید و تمجید می گفت. امام صادق علیه السلام فرمود: در مسجد سهله جایگاه حضرت ادریس است که در آن مکان دوزندگی می کرد.^{۱۱}

۳. حضرت نوح علیه السلام

نوح علیه السلام از پیامبرانی است که ارتباط زیادی با این سرزمین مقدس دارد. بر اساس تاریخ و روایات، این سرزمین محل زندگی و سکونت و تبلیغ وی بوده است. همچنین در این دیار مقدس به فرمان خدا دست به ساخت کشتی زد و پس از آماده شدن آن، قهر خدا شامل حال مردم شد و سیل از هر سو جاری شد. آغاز سیل از «تنور» بود که از همان سرزمین بر روی آب قرار گرفت، و پایانش با فرمان ﴿يا أرض ابلعی ماء﴾ در همین سرزمین فرو نشست. و در آن مدتی که در کوفه بود، قبر مولا امیر مؤمنان علیه السلام را آماده کرد و در نهایت، خود نیز در کنار آن دفن گردید.

الف. ساختن کشتی در مسجد کوفه

حضرت نوح علیه السلام به فرمان خدا ساختن کشتی خود را در مسجد کوفه آغاز کرد. سدی و شعبی گویند: نوح کشتی را در مسجد کوفه ساخت و تنوری که از آن آب بیرون آمد، در طرف راست مسجد بود و مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که تنور در خانه پیرزن مؤمنه‌ای بود و در طرف راست مسجد کوفه قرار داشت. مفضل گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا مسجد کوفه در آن روز وجود داشت؟ فرمود: آری، مصلاهی انبیا بود.^{۱۲}

ب. عبور نوح با کشتی خود از سرزمین کربلا

روایت شده است در زمانی که حضرت نوح علیه السلام سوار بر کشتی شد، کشتی او را به تمام کره زمین طواف داد. وقتی که به سرزمین کربلا رسید، زمین کشتی را به سوی خود کشید؛ به گونه‌ای که حضرت نوح علیه السلام از غرق شدن کشتی به وحشت افتاد؛ پس خدایش را خواند و گفت: خدایا! من تمام دنیا را گشتم، ولی هرگز چنین وحشتی که در این سرزمین احساس کردم، ندیده بودم. جبرئیل بر او فرود آمده گفت: ای نوح! در سرزمینی هستی که حسین،



سبط پیامبر، محمد ﷺ خاتم پیامبران و فرزند خاتم اوصیا کشته خواهد شد. نوح ﷺ عرضه داشت: ای جبرئیل! چه کسی او را به قتل خواهد رساند؟ جبرئیل گفت: قاتل او ملعون اهل هفت آسمان و هفت زمین است.

حضرت نوح ﷺ چهار مرتبه او را لعن کرد و سپس به راه خود ادامه داد تا این که بر کوه جودی استقرار یافت.^{۱۳}

ج. فرود کشتی نوح بر کوه جودی

پس از سیر و گردش طولانی ای که نوح ﷺ در جهان داشت، بار دیگر به سرزمین عراق بازگشت و به امر پروردگار بر کوهی در موصل، به نام «جودی» فرود آمد.

مجلسی در «حیة القلوب» می نویسد:

پس خداوند وحی فرستاد به سوی کوه‌ها که می‌خواهم کشتی بنده خود را بر کوهی از شما استقرار دهم. پس هر یک از کوه‌ها سرکشی کردند، به جز جودی که کوهی است در موصل که تواضع کرد و گفت: مرا مرتبه‌ای نیست که کشتی نوح بر من فرود آید. خداوند تواضعش را پسندید و امر فرمود تا کشتی بر جودی قرار گیرد.^{۱۴}

۴. حضرت ابراهیم ﷺ

حضور ابراهیم ﷺ در این سرزمین مقدس پررنگ بوده است؛ چه آن روزی که از سرزمین کربلا عبور کرد و چه آن روزی که آماده می‌شد تا به جنگ عمالقه برود و چه آن روزهایی که به عبادت و مناجات با خدا در مسجد سهله شب‌ها را به صبح رساند و بهترین گواه این حضور، وجود مقام آن حضرت در مسجد سهله به نام «مقام حضرت ابراهیم ﷺ» است.

عبور از سرزمین کربلا

گفته شده است که حضرت خلیل الرحمان از سرزمین کربلا عبور کرد، در حالی که سوار بر اسب بود. پای اسبش لغزید و ابراهیم بر زمین خورد و سرش شکاف برداشت و خون ابراهیم جاری گشت. حضرت ابراهیم ﷺ شروع به استغفار کرد و عرض کرد: خدایا! چه گناهی از من سر زد؟ در همان حال جبرئیل بر او فرود آمد و گفت: ای ابراهیم! هیچ گناهی از تو سر نزد، ولكن در این جا سبط خاتم انبیا و فرزند خاتم اوصیا کشته خواهد شد.

ابراهیم گفت: ای جبرئیل! چه کسی قاتل اوست؟ جبرئیل گفت: قاتل او ملعون آسمانیان و زمینیان است. حضرت ابراهیم دست به آسمان بلند کرد و لعن بسیار بر یزید فرستاد و اسبش آمین گفت. ابراهیم گفت: تو از این ماجرا چه می دانی که بر دعای من آمین می گویی؟ گفت: ای ابراهیم! من افتخار می کنم که بر من سوار شدی و هنگامی که پایم لغزید و تو از پشتم به زمین افتادی، باعث شرمندگی من شد، اما بدان که سبب آن، یزید ملعون بود.^{۱۵}

۵. حضرت اسماعیل علیه السلام

یکی دیگر از پیامبرانی که از سرزمین کربلا گذشت، حضرت اسماعیل علیه السلام است. روایت شده است که گوسفندان حضرت اسماعیل در کنار نهر فرات مشغول چرا بودند. چوپان نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: چند روزی است که این گوسفندان از این شاهراه آب نمی خورند. حضرت اسماعیل علیه السلام از خدای خود علت و سبب آن را جویا شد. جبرئیل بر او فرود آمد و عرضه داشت: ای اسماعیل! از گوسفندان ماجرا را پرس که علتش را به تو پاسخ دهند.

اسماعیل به یکی از گوسفندانش گفت: چرا از این جا آب نمی خوری؟ گوسفند به زبان فصیح گفت: به ما خبر رسیده که فرزند تو حسین علیه السلام سبط محمد صلی الله علیه و آله در این جا تشنه لب کشته خواهد شد و ما به سبب اندوهمان بر مصیبت او، از این شریعه آب نمی خوریم. اسماعیل از قاتل امام حسین علیه السلام پرسید؛ پاسخ داد: ملعون آسمانها و زمینها و تمام آفریدهها او را خواهد کشت. اسماعیل گفت: خدایا! قاتل حسین علیه السلام را لعنت کن.^{۱۶}

۶. حضرت موسی علیه السلام

روایت شده است که حضرت موسی علیه السلام روزی به همراه یوشع بن نون در حال سفر بود؛ همین که به سرزمین کربلا رسید، نعلینش پاره شد و خار و خاشاک به او آسیب رسانده، خون از پایش جاری گردید. موسی علیه السلام عرضه داشت: خدایا! چه گناهی از من سر زد؟ وحی آمد: در این مکان حسین علیه السلام کشته خواهد شد و در همین جا خونش ریخته می شود؛ پس خون تو به سبب ریخته شدن خون او ریخته شد.



موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا! حسین کیست؟ وحی آمد که حسین سبط محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و فرزند علی مرتضی علیه السلام است. موسی گفت: قاتلش کیست؟ به او گفته شد: او ملعون تمام ماهیان دریاها و درندگان بیابانها و تمام پرندگان آسمان می باشد.

این جا بود که موسی علیه السلام دو دست خود را به سوی آسمان بالا برده، یزید را لعن و نفرین کرد. یوشع بن نوح بر دعای موسی آمین گفت و هر دو به راه خود ادامه دادند.^{۱۷}

۷. حضرت خضر علیه السلام

خضر نبی علیه السلام پیامبری است که هنوز زنده است و در این دنیای خاکی زندگی می کند. به تعبیر امام رضا علیه السلام وی آب حیات را نوشیده و تا نفخ صور زنده است.^{۱۸}

خضر نبی مکان خاصی ندارد؛ بلکه در همه جاها در حال رفت و آمد است. از جمله مکان هایی که در تاریخ از حضور او سخن به میان آمده، سرزمین عراق و مسجد سهله و مسجد کوفه است. مرحوم محدث قمی برخی از خاطرات او را در «سفینة البحار» آورده است که به اختصار نقل می شود.

۱. ملاقات حضرت خضر با عالم جلیل القدر ابراهیم بن هاشم قمی در مسجد سهله.

۲. در روز شهادت امیر مؤمنان علیه السلام به طور ناشناس ظاهر گشته و سخنانی درباره فقدان امیر مؤمنان علیه السلام گفت.

۳. گفت و گوی خضر با امیر مؤمنان علیه السلام وقتی که حضرت در صفین خطبه می خواند.

حضرت موسی علیه السلام روزی به همراه یوشع بن نون در حال سفر بود؛ همی ن که به سرزمین کربلا رسی د، نعلینش پاره شد و خار و خاشاک به او آسیب رسانده، خون از پایش جاری گردید. موسی علیه السلام عرضه داشت: خدایا! چه گناهی از من سرزد؟ وحی آمد: در این مکان حسی ن علیه السلام کشته خواهد شد و در همی ن جا خونش ریخته می شود؛ پس خون تو به سبب ریخته شدن خون او ریخته شد.

۴. ملاقات خضر با امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه، نزد ستون هفتم از باب الفیل که امیر مؤمنان علیه السلام را در آغوش گرفته و سر امام را بوسید و خارج شد و امیر مؤمنان علیه السلام به مشایعت او رفت.

۵. در نوبت دیگری به دیدار امیرمؤمنان علیه السلام شتافته، اما این بار دید که میثم تمار کنار همان ستون نماز می خواند. به او گفت: ای کسی که کنار ستون ایستاده‌ای! سلام مرا به صاحب خانه برسان و او را خبر کن که من از او شروع کردم، اما در آن لحظه در حال استراحت بود.

۶. در نوبت دیگری که امیر مؤمنان در مسجد کوفه بودند، به هنگام شب از در باب الفیل وارد شد، در حالی که لباس های سفیدی بر تن داشت. نگهبانان امیرالمؤمنین علیه السلام به سوی او آمدند تا مانع از ملاقات وی شوند. حضرت علت آمدنشان را جویا شد. در پاسخ گفتند: این مرد را دیدیم که به سوی ما می آید؛ ترسیدیم که آسیبی به شما برساند. حضرت فرمود: خیر، به جای خود باز گردید؛ خدای شما را رحمت کند. آیا می خواهید مرا از اهل زمین محافظت کنید؟ پس چه کسی مرا از آسمانیان محافظت کند؟!

پس مدتی نزد امیرمؤمنان بود و سؤالاتی از ایشان داشت. یکی از سخنانی که به امیرمؤمنان عرض کرد، این بود که ای امیرمؤمنان! این تو بودی که با خلافت، بها و زینت و کمال به خلافت دادی، نه این که خلافت چیزی بر تن تو کرده باشد. امت محمد صلی الله علیه و آله به تو نیاز پیدا کرده، نه این که تو به آنها نیاز داشته باشی.^{۱۹}

در مسجد سهله برای حضرت خضر علیه السلام مقامی مشهور است که در طرف چپ کسی که وارد مسجد می شود قرار دارد.

۸ و ۹. هود و صالح علیه السلام

پیش از این گفتیم که امیرمؤمنان علیه السلام در کنار دو پیامبر بزرگ الهی، یعنی حضرت آدم و نوح مدفون است و تاریخ و روایات و زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام به این امر اشاره دارند. اما روایات دیگری وجود دارد که به جای حضرت آدم و نوح علیه السلام، حضرت هود و صالح علیه السلام را مدفون در جوار امیر مؤمنان علیه السلام گفته اند. البته چون موضوع این نوشتار، پیامبران در عتبات عالیات است، فرقی نمی کند که این دو پیامبر در قبر امیرمؤمنان مدفون باشند یا در کنار مدفن آن حضرت.



تثقیفی در کتاب «الغارات» سخن امیر مؤمنان علیه السلام را چنین نقل کرده است:

هنگامی که ابن ملجم مرادی ضربتی بر امیر مؤمنان علیه السلام وارد کرد، امام حسن مجتبی علیه السلام به آن حضرت فرمود: آیا او را به قتل برسانم؟ حضرت فرمود: خیر؛ ولکن او را زندان کن. پس اگر از دنیا رفتم، او را بکشید و پس از مردن مرا در این ظهر (پشت شهر کوفه) در کنار قبر دو برادرم هود و صالح دفن کنید.^{۲۰}

حرّ عاملی در «وسائل الشیعه» در جلد ۱۴ بابی دارد در استحباب زیارت قبر هود و صالح علیهما السلام نزد قبر امیر مؤمنان علیه السلام.^{۲۱} ولی در «مفتاح الجنان» و «زاد المعاد» در بخش زیارت امیر مؤمنان علیه السلام در روز بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله به جمله‌ای اشاره می‌کند که از آن برمی‌آید هود و صالح در همسایگی امیر مؤمنان علیه السلام هستند، نه در کنار قبر مقدسش. در این سلام چنین آمده:

«السلام علیک یا امیر المؤمنین و علی ولدیک الحسن و الحسین و علی ضجیعیک آدم و نوح و علی جاریک هود و صالح».^{۲۲}

تمام این موارد ثابت می‌کند که این دو پیامبر الهی در این سرزمین مقدس و در کنار قبر امیر مؤمنان در نجف اشرف دفن شده‌اند؛ چه در کنار قبر امام و یا در جوار آن حضرت در وادی السلام. سخن علامه مجلسی گواه دیگری بر این امر است؛ او می‌گوید:

از اخبار پیش ظاهر می‌شود که سر مقدس امام حسین علیه السلام و جسد حضرت آدم و نوح و هود و صالح نزد آن حضرت دفن گردیده‌اند. پس از زیارت امیر مؤمنان علیه السلام همه آنها را زیارت کرد.^{۲۳}

حرّ عاملی در «وسائل الشیعه» در جلد ۱۴ بابی دارد در استحباب زیارت قبر هود و صالح علیهما السلام نزد قبر امیر مؤمنان علیه السلام. ولی در «مفتاح الجنان» و «زاد المعاد» در بخش زیارت امیر مؤمنان علیه السلام در روز بعثت پی‌امبر صلی الله علیه و آله به جمله‌ای اشاره می‌کند که از آن برمی‌آید هود و صالح در همسایگی امیر مؤمنان علیه السلام هستند، نه در قبر مقدسش.

۱۰. حضرت داود علیه السلام

از انبیای بزرگ و پدر حضرت سلیمان نبی علیه السلام است. از فرموده امام جعفر صادق علیه السلام به دست می آید که حضرت داود علیه السلام برای جنگ با جالوت از مسجد سهله که در سرزمین عراق است بیرون رفت. مرحوم صدوق رحمته الله در «من لا یحضره الفقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که امام فرمود: مسجد سهله خانه حضرت ادریس علیه السلام است که در آن دوزندگی می کرد، و آن مکانی است که حضرت ابراهیم از همان جا به جنگ عمالقه رفت، و از آنجا داود علیه السلام به جنگ جالوت رفت.^{۲۴}

۱۱. حضرت سلیمان علیه السلام

در تاریخ زندگانی حضرت سلیمان علیه السلام آمده است که آن حضرت بر بساط خود می نشست و در آسمان سیر می کرد. روزی در حال سیر بود که ناگهان بساطش سه مرتبه دور خود چرخید؛ به گونه ای که سلیمان علیه السلام ترسید که سقوط کند؛ اما آن باد شدید آرام گشت و بساط در سرزمین کربلا فرود آمد.

سلیمان به آن باد مأمور گفت: چرا آرام و بی حرکت شدی؟ باد گفت: در این مکان حسین علیه السلام کشته خواهد شد. سلیمان پرسید: حسین کیست؟ پاسخ داد: او سبط محمد مختار و فرزند علی کرار است. سلیمان گفت: کشنده او کیست؟ پاسخ داد: ملعون آسمانیان و زمین، یزید است. سلیمان دست های خود را بالا برده، و یزید را لعن کرد و انس و جن بر دعای سلیمان آمین گفتند.^{۲۵}

۱۲. حضرت ذوالکفل علیه السلام

پیامبر دیگری که در سرزمین عراق مدفون است، جناب ذوالکفل پیامبر، معروف به «حزقیل» می باشد. یاقوت حموی در «معجم البلدان» در ذیل کلمه «برملاحه» می نویسد: «مکانی است در سرزمین بابل نزدیک حله ... همچنین قبر حزقیل، معروف به ذی الکفل در همان مکان می باشد».^{۲۶}

حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: از امام جواد علیه السلام درباره ذوالکفل پرسیدم که نامش چیست و آیا او از فرستادگان الهی بود؟ امام در پاسخ نوشت: «خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر فرستاد که سیصد و سیزده نفر از آنها جزو مرسلین هستند و ذوالکفل یکی از آنهاست.



ایشان پس از سلیمان علیه السلام به پیامبری رسید و بین مردم داوری و قضاوت می کرد؛ همان گونه که داود علیه السلام داوری می کرد. او جز برای خدا به خشم نمی آمد. نامش «عویدار» بود و او کسی است که خدای متعال نامش را در قرآن آورده و فرموده است: و ییاد آور اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را که همه از نیکان بودند.^{۲۷}

۱۳. حضرت عزیر علیه السلام

به گفته حموی در «معجم البلدان» قبر عزیر در بین شهر بصره و واسط می باشد. وی می نویسد:

نام محلی است که روستاها و نخل های فراوانی دارد و بین بصره و واسط قرار گرفته است. در این مکان روستایی است که قبر عزیر پیامبر در آن می باشد که هم شهرت دارد و هم دارای عمارت و ساختمان است که یهودیان خدمت آن جا را بر عهده دارند.^{۲۸}

امروزه در منطقه دشت میشان، عزیر یکی از شهرهای مرزی ایران و عراق است که تا العماره حدود پانزده فرسخ فاصله دارد. در سفری که از مرز جنوبی کشور به عراق داشتیم، پس از مسجد، از محلی به نام «شط علی» از آن شهر عبور کردیم.

۱۴. حضرت یونس بن متی علیه السلام

از پیامبران بزرگ الهی و معروف به «ذوالنون» است که خداوند او را به سوی مردم نینوا مبعوث کرد. ماجرای یونس در قرآن مجید در سوره انبیاء آمده است. اگرچه روشن نیست مکان قبر یونس بن متی در کدام شهر و دیار است، اما در شهر کوفه قبری منسوب به ایشان هست که در ساحل رود فرات قرار گرفته است.

۱۵. حضرت عیسی علیه السلام

الف. زادگاه

از پیامبرانی که در سرزمین عراق متولد شدند، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام است. امام زین العابدین علیه السلام در ذیل آیه شریفه: ﴿فحملته فانتبذت به مکاناً قصباً﴾ فرمود: «مریم برای زادن حضرت عیسی از دمشق بیرون آمد تا به کربلا رسید و در محل قبر امام حسین علیه السلام وضع حمل کرد و در همان شب به محل خود بازگشت.^{۲۹}

ب. گذر از سرزمین کربلا

معروف چنین است که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام همراه حواریونش همواره در حال سیر و سفر در بیابان‌ها بود. پس روزی گذرشان به سرزمین کربلا افتاد؛ دیدند شیری قوی هیکل در میان راه نشسته است. حضرت عیسی علیه السلام نزدیک شیر آمد و گفت: چرا این جا نشسته‌ای و مانع عبور ما گشته‌ای؟ شیر به زبان فصیح گفت: من راه را بر شما باز نمی‌کنم تا این که یزید، قاتل حسین علیه السلام را لعن کنید. عیسی گفت حسین کیست؟ گفت: او سبط محمد، پیامبر اُمّی و فرزند علی وصی است. عیسی گفت: قاتل او کیست؟ پاسخ داد: قاتل او لعنت شده حیوانات وحشی و پرندگان و همه درندگان است.

حضرت عیسی علیه السلام دست‌های خود را به آسمان بالا برد و یزید را لعن کرد و حواریون بر دعای حضرت عیسی آمین گفتند و شیر از سر راهشان کنار رفت و آنان به راهشان ادامه دادند.^{۳۰}

ج. گریه حضرت عیسی علیه السلام در سرزمین کربلا

امیر مؤمنان علیه السلام در سفری که به صفین داشتند، وقتی در سرزمین نینوا فرود آمدند، در گفت‌وگوی مفصلی با ابن عباس، با صدای بلند به او فرمودند: ای ابن عباس! آیا این مکان را می‌شناسی؟ ابن عباس عرض کرد: خیر، نمی‌شناسم، ای امیر مؤمنان. امام فرمودند: «آری، اگر این مکان را آن گونه که من می‌شناسم، می‌شناختی، از آن نمی‌گذشتی، مگر آن که مانند من گریه می‌کردی... این جا سرزمین کربلاست که حسین و هفده نفر از فرزندانم و فرزندان فاطمه علیه السلام در آن کشته خواهند شد».

سپس فرمود: «ای ابن عباس!... در آن روزی که عیسی همراه با حواریونش از این سرزمین می‌گذشتند، دید که آهوان در این مکان جمع شده، گریه می‌کنند. عیسی و همراهانش نیز نشستند و گریستند؛ در حالی که حواریون علت نشستن و گریه عیسی را نمی‌دانستند. پس به عیسی علیه السلام عرض کردند: ای روح خدا و ای کلمه او! چه چیز در این جا تو را به گریه در آورده است؟ عیسی پاسخ داد: آیا می‌دانید این سرزمین کجاست؟ گفتند: نه. فرمود: این جا سرزمینی است که فرزند رسول الله احمد صلی الله علیه و آله و فرزند طاهره بتول، شبیه مادرم (مریم) کشته خواهد شد، و در این سرزمین طینت پاکی به خاک سپرده می‌شود که خوشبوتر از مشک است؛ چرا که آن جسد پاک فرزندی است که شهید شده است».^{۳۱}

۱۶. حضرت محمد مصطفی ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ دو بار در این سرزمین مقدس حضور داشته‌اند که هر دو بار به همراه جبرئیل امین و در طریق اسراء و معراج بوده است. شیخ مفید در «ارشاد» می‌نویسد:

از ام سلمه نقل شده است که گفت: شبی پیامبر ﷺ از نزد ما بیرون رفت و پس از چند ساعت به سوی ما آمد؛ در حالی که به شدت خاک‌آلود بود و کف دستش بسته بود. عرض کردم: ای رسول خدا! این چه حالتی است که تو را در آن می‌بینم؟ چرا خاک‌الوده هستید؟ فرمودند: «مرا به سرزمینی در عراق بردند که به آن کربلا گفته می‌شود و در آن‌جا محل کشته شدن فرزندان حسین و گروهی از فرزندان و اهل بیت را به من نشان دادند. پس پیوسته خون آنها را جمع می‌کردم که اکنون همه آنها در دستم می‌باشد.» سپس دستش را باز کرد و فرمود: این را بگیر و آن را نزد خودت نگاه‌دار. آن را گرفتم و دیدم خاکی سرخ‌رنگ است. پس در شیشه‌ای ریختم و در آن را محکم بستم. هنگامی که امام حسین علیه السلام از مکه به سوی عراق رفت، در هر صبح و شام آن را بیرون آورده و استشمام می‌کردم و برای مصیبت او می‌گریستم. وقتی روز عاشورا فرا رسید، در اول روز، آن شیشه را بیرون آوردم، اما هنوز به حال خود باقی بود، اما در آخر روز، وقتی به آن نگاه کردم، دیدم همانند خون سیاه گشته است. پس با صدای بلند گریه کردم. اما به سبب شماتت دشمنان، غیظ خود را فرو نشاندم تا این که آن خبر وحشتناک در مدینه پیچید.^{۳۲}

حضور در مسجد کوفه

دومین حضور پیامبر ﷺ در سرزمین عراق در مسجد کوفه بود. روایت شده است که در شب معراج، چون حضرت رسول الله ﷺ به مسجد کوفه رسید، جبرئیل گفت: «یا محمد هذا مسجد ابیک آدم و مصلی الانبیاء»؛ ای محمد! این‌جا مسجد پدر تو حضرت آدم و محل نماز پیامبران است. پس حضرت رسول الله ﷺ فرود آمدند در آن‌جا نماز گذاردند.^{۳۳} اکنون یکی از مقام‌های موجود در مسجد کوفه، مقام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

پی نوشت‌ها:

۱. محمد مهدی حائری مازندرانی، معالی السبطين، ج ۱، ص ۱۰۹.
۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۳.
۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۹۸.
۴. همان.
۵. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۶.
۶. همان.
۷. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲.
۸. ر.ک: محمد تقی سپهر (لسان الملك)، ناسخ التواریخ.
۹. سید عبدالحسین رضیعی، تاریخ انبیاء سلف، ص ۹۸.
۱۰. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۶۶.
۱۱. سفینه البحار، ج ۱۲، ص ۴۴۴.
۱۲. ملا فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۴، ص ۴۳۸.
۱۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳.
۱۴. تاریخ انبیاء سلف، ص ۹۱.
۱۵. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳.
۱۶. همان.
۱۷. همان، ص ۲۴۴.
۱۸. سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۹.
۱۹. همان، ص ۲۱۰.
۲۰. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ج ۲، ص ۸۴۷.
۲۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۷.
۲۲. مفاتیح الجنان، ص ۴۸۰.
۲۳. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۵۱.
۲۴. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۵۶ (به نقل از من لا یحضره الفقیه).
۲۵. همان، ج ۴۴، ص ۲۴۴.
۲۶. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۰۳.
۲۷. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۸۵.
۲۸. معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۴۳.
۲۹. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۳.
۳۰. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۴.
۳۱. همان، ج ۴۴، ص ۲۵۳.
۳۲. شیخ مفید الارشاد، ص ۲۳۴.
۳۳. تاریخ انبیاء سلف، ص ۸۷ (به نقل از منهج الصادقین، ج ۴، ص ۴۳۸).